

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - سوم
خرداد ماه ۱۳۴۵

آرمان

دوره - سی و پنجم
شماره - ۳

تاسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)
(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

بقلم : استاد فقید وحید دستگردی

افراط و تفریط

دراملاء و انشاء

(۱)

چون اخیراً عده ای از فضلاء و مؤلفان مقاله جامع افراط و تفریط دراملاء و انشاء نگارش دانشمند استاد وحید دستگردی را که سالها پیش در ارمغان بطبع رسیده بود برای چاپ در تألیفات خویش از ما خواسته بودند و ما نسخ متعددی از آنرا در دسترس نداشتیم علیهذا برای اجابت خواسته نویسندگان گرامی بدرج مجدداً آن در این شماره و شماره بعدی مبادرت میورزیم .

افراط و تفریط در تمام کارهای ما از اجتماعی و ادبی بحکم (الجاهل اما مفرط او مفرط) بحدی شیوع و اطراد یافته که قاعده (مامن عام الاوقدخص) را نقض کرده است .

مسائل اجتماعی و سیاسی از مورد بحث ما خارجست و فقط از دو مقوله ادبی

یکی املاء و دیگری انشاء در طی دو مقاله سخن میرانیم .

بارها گفته و بار دیگر میگوئیم که در نگارش و ترکیب لغات فارسی که از عرب گرفته شده نحو و صرف عرب هیچگونه دخالت ندارد یعنی در ترکیبات مطابق اصول و قواعد فارسی باید عمل کرد و لغات را بهمان املاء که اساتید ضبط کرده و در شعر و نثر بکار برده‌اند باید نوشت و قاموس لغات عرب را دلیل صحت و بطلان املاء نباید قرار داد چنانچه عرب در لغاتی که از فارسی گرفته و معرب ساخته هرگز برای صحت و بطلان املاء رجوع به فرهنگ فارسی نمی‌کند و همچنین تمام ملل که از یکدیگر لغت گرفته‌اند .

مثلا در قواعد زبان فارسی مطابقت صفت و موصوف در تذکیر و تانیث وجود ندارد زیرا مؤنث و مذکر در این زبان نیست و در حقیقت این مسئله سالبه با تفتاء موضوع است .

باوصف این مطلب از اشخاصی که خود را پیشوای قلم و املاء می‌دانند برخلاف انتظار دیده می‌شود که بشرح ذیل غلط نگاری و اغراء بجهل می‌کنند .
مثلا مطابق اصول و قواعد پارسی باید گفت زن عالم زن ادیب می‌گویند و می‌نویسند :

زن عالمه ! زن ادیبه یکی از پیشوایان معارف بزنی نوشته بود جناب مستطاب !
علیه ! عالیه ! دیگری نوشته بود زن دانشمنده ! زنی با او همداستانه شد ! تلگرافخانه مبارکه و اداره جلیله در همه جا معمولست کلمه خانه را گوئی مؤنث دانسته و برای مطابقت صفت با موصوف (مبارکه) را صفت آورده‌اند با علامت تانیث . در قباله های شرعی دیده ایم که مینویسند يك قطعه ملك معین و محدود و یکباب خانه معینه و محدوده ! امثله این اغلاط بحدی فراوانست که در نگارش و انشاهای امروز در هر صفحه بلکه هر سطر چندین نمونه از آن دیده می‌شود . در املا و نگارش لغات جماعتی راه

تفریط را پیش گرفته بجای صادسین و در مقام هردو تا و بعوض ضاد زاء و برعکس نوشته و به غلط کاری خود هم معترف نشده میگویند این کارها کهنه شده و قابل مراعات نیست.

باید باینان گوشزد کرد که قاعده کهنه را بایستی مرکز صالح الغا و نسخ کرده و قانون تازه را ابلاغ کنندند فرد فرد اهالی و گرنه در لغت و خط هرج و مرج ایجاد و در نتیجه هیچکس خط دیگری را نتواند خواند.

و آنکهی صاد بجای سین نگاشتن یعنی چه و چرا نباید بجهل خویش معترف شد و از علم بهره ور گردید.

گروه دیگر افراط را شیوه ساخته و برای اثبات مقام شامخ فضل خویش املا-های صحیح را برخلاف اساتید باستان غلط نگاشته و کتب لغت عرب براسند قرار میدهند برای نمونه چند کلمه که در این اواخر دست تصرف غلط و اشتباه بدانها دراز شده مینگاریم. کلمات تماشا و تمنا و تقاضا و تولا و تبرا و مصفا امثال اینان بیش از هزار سالست که از زبان عرب در لغت فارسی با تصرف در معنی و لفظ وارد شده و اساتید بزرگ در نظم و نثر بکار برده اند ولی مفرطان قوم از دو سال باینطرف بدلیل کتب لغت عرب در نامه و مقالات خود به غلط تماشای و تمنی و تقاضی الخ با یاء نوشته و کسانیرا که مطابق واقع با الف می نگارند مورد استهزاء و طعن قرار میدهند.

بری رفع این شبهه لازم است که در هر یک از این لغات ریشه عربی و استعمال و املائی فارسی صحیح را بطریق اجمال نشان دهیم.

تماشا

بر حسب اتفاق این کلمه در اصل عربی هم (تماشا) با الف آخر است نه (تماشی) با یاء ماقبل مکسور تماشی با یاء مصدر است و تماشا اسم مصدر و معنی فارسی با اسم مصدر تناسب دارد نه با مصدر صاحب تاج العروس مینگارند:

و تماشوا مشی بعضهم الی بعض و منه التماشا اسم لما یتفرج علیه اخذ من المصدر .

در این صورت معلوم نیست تماشای نوشتن فضایی معاصر را دلیل چیست .
خاقانی فرماید

بر شوند از پل آتش که اثیرش خوانند
پس بصحراى فلك جای تماشا بینند

جای دیگر گوید

نی نی من از خراس فلك بر گذشته ام
سر زان سوی فلك بتماشا بر آورم

تمنا

تمنا را نیز از تمنی بمعنی خواهش کردن گرفته و پس از تصرف در لفظ ومعنی بمعنی خواهش که اسم مصدر است استعمال کرده اند بلکه در عربی بمعنی خواهش مطلق هم نیست چنانکه راغب اصفهانی سرخیل ائمه لغت گوید :

التمنی تقدیر شیء فی النفس و تصویره فیها و ذلک قد یکون عن تخمین و ظن و قد یکون عن رویة و بناء علی اصل لکن لما کان اکثره عن تخمین صار الکذب لهاملك فاكثر التمنی تصور مالا حقیقه له . وقال ایضا لما کان الکذب تصور مالا حقیقه له و ایراده باللفظ صار التمنی کالمبدء للکذب فصح ان یعبر عن الکذب بالتمنی و علی ذلک ماروی عن عثمان رضی الله عنه ما تمنیت منذ اسلمت ای ما کذبت انتهى .

دلیل تصرف در لفظ استعمال اساتید است در قوافی الفی .

چنانکه خاقانی گوید

مگو این کفر و ایمان نازه گردان

بگو استغفر الله زین تمنا

حافظ گوید

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد

آنچه خود داشت زیگانه تمنا می کرد

تقاضا . تولا . تبرا . مصفا

تقاضا . نیز از تقاضی با تصرف در لفظ و معنی گرفته شده زیرا در فارسی معنی اسم مصدر دارد نه مصدر و یاء ماقبل مکسور نیز بالف ماقبل مفتوح بدل گردیده و در قوافی الفی بکار رفته است .

خاقانی گوید

بلبل نیم که عاشق یاقوت و زر بوم

بر شاخ گل حدیث تقاضا بر آورم

آب سیه زنان سپید فلک بهست

زین نان دهان باب تبرا بر آورم

لب را حنوط از آه معبر کنم چنانکه

رخ را وضو با شک مصفا بر آورم

نیز گوید

نه از عباسیان خواهم مؤنث

نه بر سلجوقیان دارم تولا

تمام اساتید این کلمات را با الف قافیت کرده و در هیچ مقام با یاقافیت نکرده اند و همین دلیل متقنی است بر املائی الف چنانکه اساتید عیسی و موسی را بسبب املاء یائی در فارسی با الف قافیت نکرده اند .

در کتب خطی قدیمی معتبر که نویسنده معلومست دانشمند و درست نویس بوده نیز این کلمات با الف ضبط و نگاشته شده و در تمام کتابخانه‌ها اینگونه کتب موجود و البته برای صحت املا سند است .

فقط در کتاب [شمس اللغات] تقاضی و تمنی و تماشای با یاء ضبط شده ولی این کتاب برای املائی فارسی سند نمی‌شود زیرا در اول کتاب مؤلف تصریح می‌کند که لغات فارسی و عربی را ضبط کرده نه لغات فارسی که ریشه آن عربیست بعلاوه غلط و اشتباه بحدی در این کتاب زیاد است که شایسته استناد از هیچ جهت نیست و اینک برای نمونه دولعت از این کتاب نقل می‌شود در لغت (تماشی) مینویسد . تماشی بالفتح با یاء تازی تماشا کننده و نیز بمعنی تماشا و باهم رفتن !

در معنی این کلمه مهمل (ابن شیرین) مینویسد .

ابن شیرین نام معبری در بیت است از انوری

خواب شیرین تو بد اندیش خوش خندانست

کابین شیرین قضا دم نزنند از تاویل

بیت انوری را چون غلط خوانده یا در نسخه غلط بوده فوری برای آن لغت ساخته است و اگر اینگونه لغتها در فارسی داخل شود پس از انقلاب ادبی انقلاب لغوی هم شروع خواهد شد اصل بیت این است .

خواب شیرین بد اندیش تو خوش چندانست

کابین سیرین قضا دم نزنند از تاویل

ابن سیرین معبریست معروف و معرب ابن شیرین است چون فارسی نژاد بوده و مادرش شیرین نام داشته و در فارسی هم معرب این کلمه معمول و مشهور گردیده ولی صاحب شمس اللغات در جای دیگر باز بغلط (ابن سیرین) بفتح سین و پس از آن راء مکسور ضبط کرده است .

افراط و تفریط در انشاء از شعر و نثر بشماره دیگر محول میشود .